

کارنامه فرزانه‌ای از زمانه مرحوم استاد علی اصغر فقیهی

به زیر طاق زبرجد نوشته اند

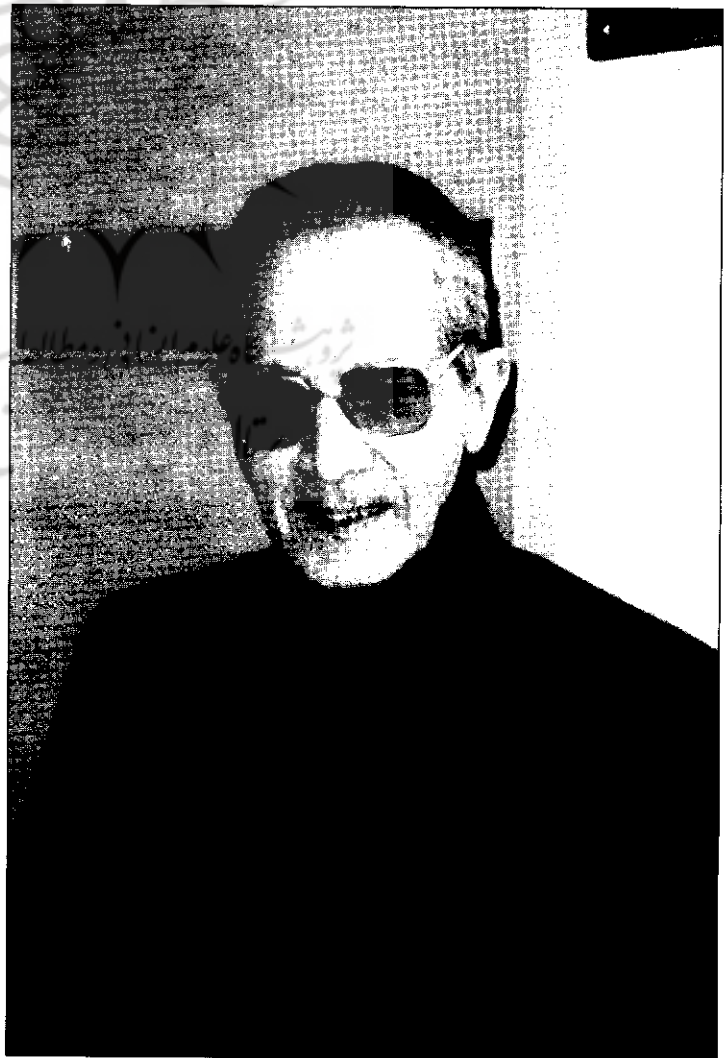
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند.
«حافظ شیرازی»

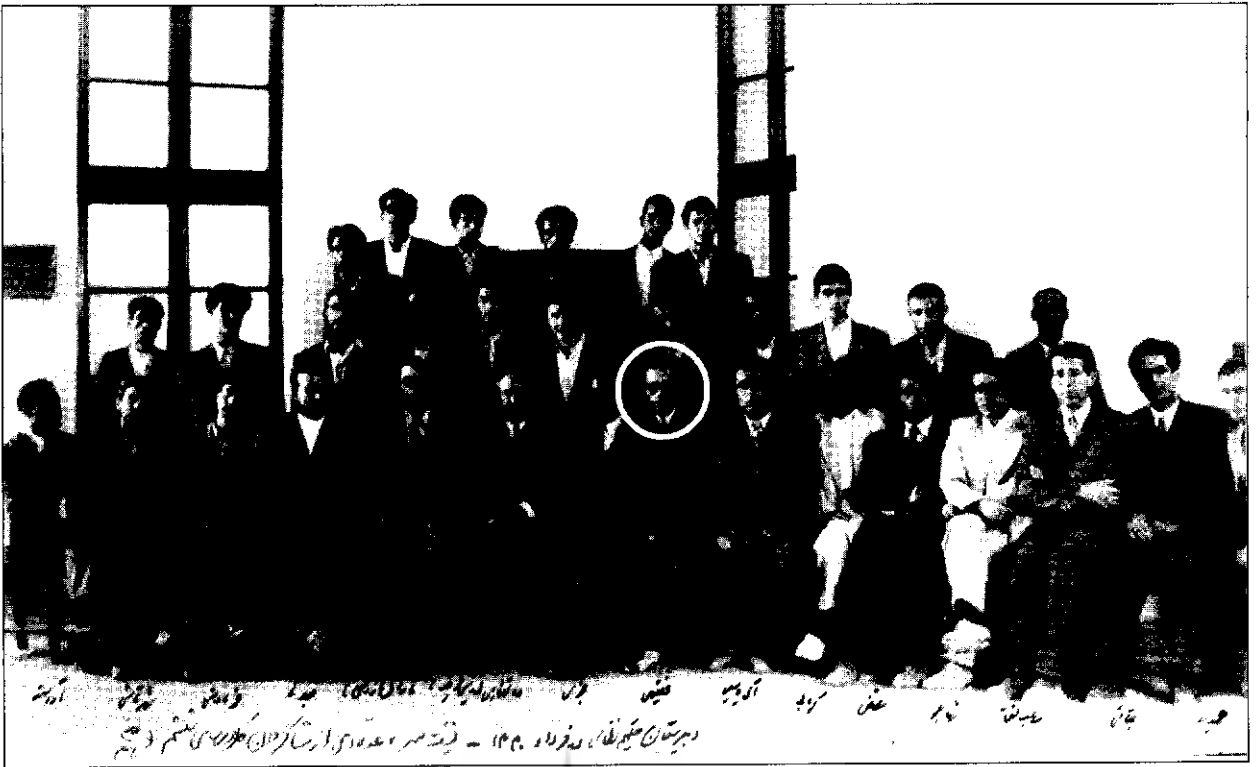
سیدحسین رضوی برقی

الف. زیست نگاشت استاد فقیهی و معرفی کوتاه

در روزگار واپسین پادشاهی قاجاریان، به سال ۱۳۳۱ قمری / ۱۲۹۲ شمسی در شهر کویری و باستانی قم، در کوچه پس کوچه‌های پایین شهر، در محله کهن الچو و در خانه‌ای دویست ساله که یادگار دوران صفوی بود در خاندانی نسل در نسل فقیه، از پدری زاهد منش، شیخ ابوالحسن فقیهی نام، مدرس علوم قدیمه، کودکی پاک پای به جهان خاک نهاد که اکنون دوستدارانش با نام علی اصغر فقیهی می‌شناسند. چون از تباری فقیه بود و در شهر فقیه گرای قم، در دامان پدری فقیه بالیده شد، شهرت وی در سال‌های آغازین زندگی اش فقیهی شد. پدر و برادر پدرش - شیخ احمد - هر دوازده آموزگاران دوره سطح حوزه به شمار می‌آمدند و در مدرسه جهانگیرخان قشقای تا کفایة الاصول آخوند خراسانی را درس می‌گفتند. هر دو درزمره شاگردان شیخ عبدالکریم حائری یزدی - بنیان‌گذار حوزه علمیه قم - بودند. پدر استاد، مردی بود از تبار پیشینیان عالمانی که زهدگرایی و قناعت و فقر را آرایش و آبرو و ذخیره آخرت می‌انگاشتند و با سختی گذران معیشت، روزگار به سر می‌کردند. و این ویژگی را ابوالحسن به پسرش علی اصغر به میراث داد و هر دو بی‌گلایه از داشتن‌ها و نداشتن‌ها، کارهای علمی را پی می‌گرفتند.

آنچنان که خود استاد می‌گفتند در پنج سالگی با رفتن به مکتب خانه‌ای قدیمی، الفبای فارسی و آموزه‌های آغازین دینی را نزد تنها بانوی باسواد محل فرا گرفتند. قرآن آموزی و گلستان‌خوانی و حافظ‌خوانی و دیگر کتابهای آسان خوان متون کهن، بخشی از آموزش‌های دوران ابتدایی استاد بود. در سن ده سالگی، در مسجد جامع قدیمی قم آغاز به تحصیل علوم دینی نمودند. سپس به مدرسه جهانگیرخان که پدرشان در آنجا فقه و اصول تدریس می‌کردند، رفتند و مقدمات عربی





دبیرستان حکیم نظامی در خرداد ۱۳۲۰ - در میان جمعی از شاگردان کلاس پنجم و ششم

حوزه علمیه، به دانشگاه رفتند و همزمان در دانشسرای عالی هم ثبت نام کردند.

در دانشگاه نزد اساتید برجسته‌ای چون میرزا محمود شهبازی - استاد ادبیات و عربی - مقامات بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری را فرا گرفتند. بدیع الزمان فروزانفر و میرزا یدا پاک نظر و احمد بهمنیار و مهدی الهی قمشه‌ای از دیگر استادان ایشان بودند.

در همان زمان به گفته ایشان، بدیع الزمان فروزانفر برای بالابردن سطح علمی دانشکده، دروس علوم طبیعی و ریاضیات و تاریخ و جغرافیا را نیز به آموزه‌های دانشجویان افزودند. دکتر جواد هشتروودی ریاضیات و دکتر حسین گل گلاب علوم طبیعی را تدریس می‌کردند.

ایشان پایان‌نامه تحصیلی خودشان را با عنوان «تأثیر ایرانیان در بسط تمدن اسلامی» برگزیدند و آن چنان که خود نقل می‌کردند، این پایان‌نامه را با راهنمایی و مشاوره احمد کسروی و عباس اقبال آشتیانی و چند تن دیگر برگزیده و به پایان بردند و سرانجام در حضور آنان از رساله دفاع کردند.

در آبان ماه ۱۳۱۹ خورشیدی با اندوخته‌ای پر بار به قم بازگشتند و در سن نزدیک به بیست و هفت سالگی با تجربه‌ای از دانش کهن حوزه و دانش امروزین دانشگاهی، در دبیرستان حکیم نظامی مشغول به تدریس شدند. این تلاش تا سال ۱۳۵۰ خورشیدی در قم در این آموزشگاه و دیگر مراکز آموزشی ادامه داشت. طی سالهای تدریس، ادبیات فارسی و تاریخ و گاه جغرافیا را تدریس می‌کردند. چند سال هم طبق رأی شورای دبیران، ریاست دبیرستان را به عهده داشتند. سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی، قم از دیدگاه فرهنگی و آموزشی، دوران شکوفایی را پشت سر

را با آموختن نصاب الصبیان آغاز کردند. ایشان همه کتاب‌های چهارده‌گانه جامع المقدمات را فرا گرفتند. که امروز تقریباً خواندنش چه به شکل کامل و چه ناقص، در حوزه علمیه منسوخ شده است. سپس شرح سیوطی و الفیه ابن مالک و شرح جامی. که خود شرح کافی و شافی ابن حاجب است. را که همگی در علوم ادبی عرب باشد فراگرفتند و به قول طلاب مباحثه هم می‌کردند. الفیه فراتر از هزاربیتی ابن مالک را نیز در ضمن تحصیل، حفظ نمودند. بر خلاف این روزگار، استاد فقیهی به شهادت خودشان تمامی معنی اللیب را که امروزه حد اکثر به شکل ناقص به باب رابع خواهی - بخش چهارم - محدود می‌شود به تمامی فراگرفتند و شواهد چند صد گانه شعری را به ذهن سپردند. در علم منطق با منطق کبری خوانی آغاز کردند و سپس کار را با آموختن حاشیه ملا عبدالله بر کتاب تهذیب المنطق سعد الدین تفتازانی و بعد شرح شمسیه خوانی، شرح منظومه سبزواری خوانی پی گرفتند.

در دانش اصول آموزی، با کتاب معالم الاصول و در فقه آموزی، با شرایع محقق، تحصیل را پی گرفتند. سپس با کتاب قوانین میرزای قمی و لمعه خوانی و با شرح شهید ثانی و شرح ریاض و در ادامه رسائل. در فقه استدلالی. و مکاسب و کفایة الاصول آخوند خراسانی را تلمذ کردند.

اساتید استاد فقیهی، در گام نخست پدر و برادر پدر بودند و سپس عبدالحسین ابن الدین، شهاب الدین نجفی مرعشی، آیت ا فیض، سید محمد رضا گلپایگانی و امام راحل بودند. در مباحث خارج فقه محمد تقی خوانساری نیز حضور می‌یافتند.

پس از تأسیس دانشکده معقول و منقول، و با تشویق پدر، علیرغم جو عمومی آن روزگار و دید ناخشنودمندان

تاریخ عقاید و مباحث

مجموعه آثار مرحوم آیت الله العظمی بروجردی

تألیف: آیت الله العظمی بروجردی

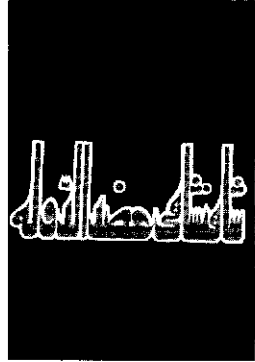
ترجمه: سید محمد باقر موسوی

مطبع: انتشارات علمی و فرهنگی

تاریخ چاپ: ۱۳۷۸

تعداد صفحات: ۳۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال



می گذاشت. رؤسای فرهنگی همچون دکتر علی اکبر شهاهی خراسانی و دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی و دبیرانی همچون دکتر حسین کریمان، دکتر امیر حسن یزدگردی و دکتر حسین سادات ناصری و دکتر محمد امین ربیاهی از آن جمله بودند.

در سال ۱۳۵۰ و پس از بازنشستگی به تهران رفتند و تا سال ۱۳۵۸ در دبیرستان علوی تدریس کردند. از آن پس تا سال ۱۳۷۲ که در تهران بودند با مراکز آموزشی همکاری داشتند و مقالاتی نیز برای دائرة المعارف تشیع و بنیاد دائرة المعارف اسلامی نگاشتند. سرانجام در سال ۱۳۷۲ به قم بازگشتند. مرگ همسر ایشان، اندوه روحی ایشان را فزون تر کرد. طی ده سال بعد به نگارش مقالاتی مفصل و ارزشمند به ویژه در زمینه تاریخ قم مشغول بودند که از جمله در نشریه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قم به چاپ می رسید. چندین جلد کتاب از جمله ترجمه نهج البلاغه و سفر آفریقا را برای نخستین بار منتشر نمودند.

از چندی پیش استاد مکرر می گفتند به قول نویسنده تاریخ بیهقی ما از «شدگانیم». سرانجام در دوم آذر ماه ۱۳۸۲ پس از تحمل ۲۵ روز بیماری و بستری بودن در بخش آی سی سی یو در بیمارستان آیت الله گلپایگانی قم، جان به جان آفرین تسلیم کردند و در سوم آذر ماه ۱۳۸۲ در میان بدرقه دوستانشان در صحن حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شدند و از سرای خاکی این جهان به آن جهان جاودانی کوچیدند.



رحمت و غفران و بهشت الهی ارزانی اش باد. استاد فقیهی را گرچه هیچگاه فرزندی نبود، اما میراث او، نوشته ها و مقالات ایشان به ویژه درباره تاریخ قم و اساساً ایران و اسلام از یکسو، و شاگردان فراوانی بود که طی حدود پنجاه سال به جامعه فرهنگی کشور تقدیم داشتند که در دانشگاه های ایران و بیرون ایران از جمله پژوهشگران برجسته به شمار می آیند.

استاد به جز مقالات فراوانی که در سالهای آموزشی در نشریات قم به ویژه استوار به چاپ می رساند، چندین کتاب ارزشمند نیز از خود برجای نهادند که از این قرارند:

۱. تاریخ و عقاید و هابیهان، نخستین اثر منتشر شده.
۲. دستوره های املاء و انشاء، چاپ ششم.
۳. تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی.
۴. ترجمه عهدنامه مالک اشتر.

۵. سفرنامه حج، یادداشتهای سفر به حج تمتع ۱۳۴۵ خورشیدی.

۶. شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی، کتاب برگزیده سال ۱۳۴۷ خورشیدی.

۷. تاریخ اجتماعی آل بویه، چاپ ۱۳۵۷ گویا به زبان انگلیسی هم ترجمه شده و برجسته ترین و ماندگارترین کار استاد است. افسوس که برای دیگر سلسله های ایرانی چنین

تألیفی نداشتند.

۸. ترجمه نهج البلاغه، چاپ نخست ۱۳۷۴ خورشیدی.
۹. تاریخ مذهبی قم، ویراست دوم ۱۳۷۸ خورشیدی.
۱۰. سفرنامه آفریقا که بر اساس خاطرات سفرهای آفریقا در سالهای ۱۳۵۷، ۱۳۵۰ نگاشته شده است. به گفته ایشان این کتاب اولین سفرنامه آفریقایی پارسی نگاشته است.
۱۱. بررسی و تحقیق گونه های درباره عقاید و تاریخ فرقه وهابیه.
۱۲. خاطرات، که به شکل یادداشت های دست نوشته باقی مانده است.

۱۳. دستور زبان فارسی.
۱۴. راه خدانشناسی در ترجمه توحید مفضل.
۱۵. آل بویه، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۱۶. نگارش پایه رساله های توضیح المسائل.
۱۷. ایران در جنگ گذشته.
۱۸. ادبیات ایران در قرن اول و دوم هجری.
۱۹. نهضت نجف در جنگ بین الملل، ترجمه از عربی.
۲۰. تاریخ کشورهای عربی بعد از جنگ بین الملل اول.
۲۱. نویسندگان بزرگ اسلامی.
۲۲. ابومسلم خراسانی.
۲۳. تاریخ حبشه.
۲۴. محمد رسول الله (ص) ترجمه از عربی، احمد تیموریک «انتشار نیافته».

۲۵. سفرنامه استرالیا «انتشار نیافته».
۲۶. سفرنامه شرق آسیا «انتشار نیافته».
۲۷. تاریخ اجتماعی قم «انتشار نیافته».

ویژگی استاد در نگارش آثار آن بود که از منابع دست اول استفاده می کردند و با توجه به تسلط بر زبان عربی روانی داشتند از تألیفات معاصر یا ترجمه های فارسی بهره بگیرند. ایشان در نوشتن کتاب و مقاله شتاب زده نبودند و به معنای امروزی، کتاب ساز به شمار نمی آمدند. ده سال بر سر تاریخ آل بویه عمر نهادند و به شهادت کارشناسان تاریخ، کاش استاد فقیهی به دیگر سلسله های پادشاهی ایران نیز می پرداختند. استاد به حکم خاندان فقاهتی و تحصیل فقهی و زندگی در شهر فقه گرای قم و اعتقادات استوار دینی، دایره پژوهش هایشان اساساً تاریخ و تمدن اسلامی بود. بی شک نام علی اصغر فقیهی، در حافظه تاریخ قم بر جای خواهد ماند و به ویژه هر گاه سخن از قم پژوهی و آل بویه پژوهی باشد رد پای ایشان آنجاست.

ب. منش و بینش

زندگی به قول سهراب سهری رسم خوشایندی است و بال و پری دارد اندازه مرگ. و هموست که می گوید: زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت، از یاد من و تو برود. زندگی استاد علی اصغر فقیهی به راستی رسم خوشایندی بود و چیزی نخواهد بود که لب طاقچه زمان، از یاد همسهریان و شاگردان و دوستانش به سادگی برود. زندگی نه آن حرکات جسمانی و دویدن های دیلاری است



از راست: ابوذری، بهرامی، بقایی، اشراقی، فره‌وشی، مفید، کریمان، بحرالعلومی، آل یاسین، فقیهی، موقتیان، توکل

نمی‌گیرم و فقط کتاب می‌گیرم و تعدادی را هدیه می‌کنم. این برای نهج البلاغه‌ای بود که ترجمه‌اش دست کم هفت سال به طول انجامید.

خاطره‌ای دیگر که در ذهن من هست اینکه ایشان معتقد بودند، طرح جلد کتاب باید بسیار ساده باشد و برای کتاب تبلیغ تجارتی هم نباید کرد چون جلد زیبا، خواننده را فریب می‌دهد و او را از دقت در محتوا دور می‌کند و تبلیغ کتاب هم ممکن است نوعی اغفال خواننده به شمار آید. باور داشتند که کتاب خوب راه خود را باز می‌کند و کتاب کم‌ارزش یا بی‌ارزش، دیر یا زود به فراموشی سپرده خواهد شد.

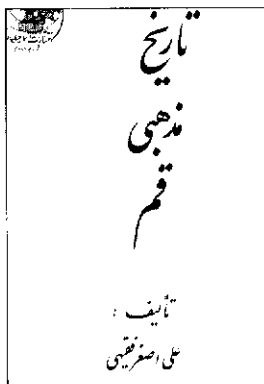
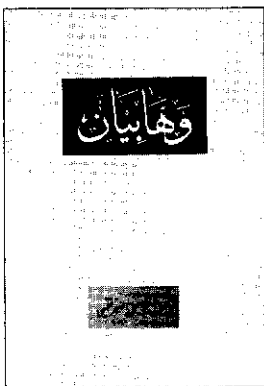
آن‌آنکه کارهای تالیفی و ترجمه‌ی استاد را دیده‌اند و او را می‌شناسند می‌دانند که او به آنچه گفته شد پای‌بند بود. دورادور می‌دیدم حتی یک میز تحریر کوچک و صندلی راحت ارزان قیمت برای نگارش روزانه‌ی خود تدارک ندیده بودند. در خانه‌ای که سالهای دهه ۳۰ شمسی یا حقوق معلمی در قم ساخته بودند بی‌هیچ تغییری نزدیک به پنجاه سال در آن به سر بردند. گاهی می‌گفتند یک شاخه تیرآهن هم در این ساختمان به کار نرفته است. محل سکونت سالهای تهران‌نشینانی را نیز به زوج جوان کم‌درآمدی داده بودند و اجاره‌ای نیز نمی‌گرفتند. می‌گفتند از آنان خواسته‌ام تنها به باغچه‌ی خانه برسند و آبش دهند و اگر به تهران آمدم چند شب مهمان آنان باشم. بارها می‌گفتند: مبدا در سیلاب آزمندی عمومی که بیشتر مردمان گرفتار آند گرفتار شوی. حتی روزی گفتند چرا کمتر همدیگر را می‌بینیم؟ گفتیم: مشغله‌های زندگی فراغت ما آدم‌ها را کاسته است. گفتند چرا؟ گفتیم شیوه‌های زندگی چونان گذشته‌ی روزگاران جوانی شما نیست. اگر در آن روزگار

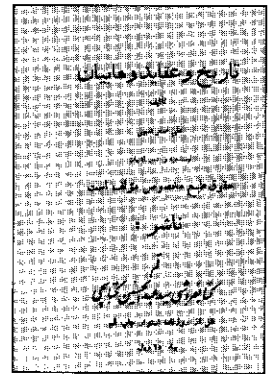
که در بیشتر مردمان می‌بینیم. زندگی به معنای ویژه‌اش همانا جنبش نهان و پیوسته در بستری از زمان است: چه خاموش و چه ناخاموش، و چه در زنده بودن و چه نازنده بودن. برای من که شوربخانه، تنها شش سال پایانی عمر استاد فقیهی را (۱۳۸۲ - ۱۳۷۶) با ایشان همنشینی داشته‌ام؛ هنر نگاه‌اشن تصویری دقیق از زندگی ایشان برایم ناممکن است. تنها به رسم حق‌شناسی و به جای آوردن فریضه‌ی شاگردی است که گستاخی کرده و یادداشتی را که بازتابی از اندک زوایای کوچک زندگی فرهنگی اوست می‌نگارم. استاد فقیهی به راستی سبکیار زیست: آسوده از وبال مال و بدون تعلق خاطر و دل‌بندی فرزند داشتن و سبکیار از این سرای، رخت بر بست و از میان جمع خویشان و دوستان برفت و در بستر خاک آرام بخفت و از نام و منش نیکش باید گفت.

نام نیکی گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار
این همه هیچ است چون می‌گذرد تخت و بخت و امر
و نهی و گیر و دار

نام استاد از سه دیدگاه: «منش» و «پژوهش» و «پرورش» نگرینستی است.

او منش‌ی عارفانه و آزادانه داشت. از تعلقات دنیایی وارسته بود. کمترین تلاش را برای اندوختن مال و نام و نان داشت. حتی پی‌جوی شهرتی فرهنگی که از راه تالیف و ترجمه به دست می‌آید نبود. آنچه می‌نگاشت به درخواست و سفارش دوستان بود، نه به چشم داشت دستمزد پول‌گونه آن. شاهد بودم روزی دکتر حسین شهیدزاده از استاد پرسیدند: قاعدتاً باید از چاپهای متعدد ترجمه‌ی نهج البلاغه از ناشر حق‌الترجمه خوبی دریافت کرده باشید و دست کم پانزده درصد. ایشان گفتند: من پول





قناعت داشتن، ارزش بود و آزمندی ضدارزش، امروزه قناعت داشتن نشانه بی‌دست و پای و آزمندی نشانه تلاش شرافتمندانه برای یک زندگی بهتر نام گرفته است. و از جمله گفتم به هر حال بچه‌ها به مدرسه غیر انتفاعی و دانشگاه‌های شهریه‌پذیر می‌روند و البته هر دو مطالبه‌کننده هزینه هستند. توصیه اکید کردند در ارزان‌ترین مراکز آموزشی ثبت نام کن که اگر استعدادی داشته باشند در مدارس معمولی و یا سطح پایین بهتر پرورش می‌یابند. و دقت زیاد در گزینش آموزشگاه و هزینه تحصیلی فراوان، باعث کشته شدن استعدادهای می‌شود. می‌گفتند پنجاه سال معلمی کردم و آشکارا دیدم که استعدادهای بزرگ علمی از میان مراکز آموزشی دولتی و یا خانواده‌های فقیر و رده پایین اجتماع بیرون می‌آیند. به راستی درست آن است که چراغ استعدادهای درخشان در پرتو رفاه و ثروت فراوان، خاموش و یا کم فروغ می‌نماید. علم و ثروت، رابطه معکوس با هم دارند و جمع آنها با هم اساساً جمع اضداد خواهد بود. زندگی استاد هم نماد دقیق آن بود که دانسته بودند باید دانش را به مکتب نفروشد و این رفتار را نه تنها اندک گروهی چون ایشان تحمل می‌توانند کرد که یادگار نسل‌های پر کار و کم توقع گذشته چون دکتر محمد معین بودند.

استاد بارها با سرفرازی از فقر خانوادگی خود و دوران تحصیل خود یاد می‌کردند و بی‌پرده و بی‌هیچ شرمساری در محافل خصوصی و مصاحبه‌ها از آن سخن می‌گفتند.

روزی به من گفتند هنگامی که برای تحصیلات دانشگاهی می‌خواستم به تهران بروم پدرم گفت پولی ندارم که برای تحصیل تو خرج کنم. اگر می‌روی باید خودت خرجت را تقبل کنی ایشان پذیرفته بودند.

باز می‌گفت: دانشجو که بودم شب‌ها در محضری - دفتر اسناد رسمی - در تهران می‌خوابیدم که روزها برای گذاران معاش در آنجا کار می‌کردم و چه شبها که گرسنه خوابیدم و چیزی برای خوردن نداشتم.

استاد فقیهی هیچگاه نخواست خاطرات دوران سختی‌های کودکی و جوانی را با لذتهای افرافی از ذهنش بزاید و جبران مافات کند و می‌دیدم هیچگاه در برابر داراوندان، برخورد دوگانه خط‌کنشی شده مشخصی چون بیشترین مردمان نداشتند. به همان شیوه که با بالاترین اساتید دانشگاهی برخورد داشتند با کودکی چهار ساله یا دستفروش کنار خیابان روبه‌رو می‌شدند. حتی واژه‌ها و اصطلاحاتی که به کار می‌بردند چندان تفاوتی نداشت.

اصولاً انسان‌ها در برخورد با شکست‌ها و رنج‌ها یکی از دو راه را بر می‌گزینند: یا آن عوامل سبب تألمات درونی می‌شود و در گذر زمان می‌خواهند آن خاطره‌ها را که به اصطلاح خودشان تلخ است فراموش کنند و گروه دوم که شمار آنها اندک است نه تنها سختی‌ها و ناکامی‌های گذشته را از ذهن دور می‌سازند بلکه به رنج‌کشیدگان کنونی که دچار آن تنگنای گذشته آنان شده‌اند یاری می‌دهند تا از شدت تلخ‌کامی‌هایی که خود داشته‌اند و کسی به فریادشان رسیده بوده اندکی بکاهند. و این شیوه اخیر راه پیامبران و فرزندانگ است.

فروتنی ناب استاد به راستی در روزگار ما، شاید کیمیایی

و افسانه‌ای باشد. استاد تا روزهای آخر عمر، سرزنده و شاداب و پرامید می‌زیست.

چند شب پیش از درگذشت استاد، که در بیمارستان بستری بودند به منزل ایشان تلفن کردم. پرستارشان می‌گفت: با اینکه چند ماه بیشتر نیست که در خدمتشان هستیم به من گفته‌اند، می‌خواهم خانه را به نام تو کنم.

او همچنین می‌گفت در خانه ایشان که بودیم گاه من و همسرم، تلویزیون تماشا می‌کردیم. گاه به استاد می‌گفتم شما هم به اتاق ما بیایید. ایشان می‌گفتند: شما راحت باشید، اگر من بیایم همسر شما راحت نخواهد بود.

آنچه نام استاد فقیهی را بر سرزبان‌ها انداخته بود چنین ویژگی‌هایی بود.

استاد، ذهن پویایی داشت. تا ماه‌های آخر که هر بار تماس می‌گرفتم و خود را معرفی می‌کردم به من می‌گفتند: خودتان را معرفی نکنید هنوز آنقدر خرف نشده‌ام که صدای شما را نشناسم. من از حضور ذهن ایشان در شگفت می‌شدم.

استاد فقیهی بسیار می‌شنیدند و تا گفتار اهل مجلس خاتمه نمی‌یافت لب به سخن نمی‌گشودند. کمتر دیده بودم به میان سخن دیگران وارد شوند. ادب راستین استاد را دوستانش صادقانه تأیید می‌کنند. خوب شنیدن و نیک تأمل کردن در گفته‌های دیگران از خصایص بارزشان بود. بسیار کم‌نوش و کم‌خوراک و بسی ساده پوش و بی‌آلایش بودند. غذایشان به اندازه کف دست بود و شاید صحت جسمانی و دقت ذهنی و نور درونی ایشان به همین خاطر بود که اندرون از طعام خالی داشته باشند تا نور معرفت را دریابند.

با اینکه استاد را هرگز فرزندی نبود، نه دیدم و نه شنیدم لب به شکوه گشوده باشند و اظهار تأسف و حسرت نمایند. روزی به ایشان گفتم خدا دوستتان داشته است که دغدغه فرزندان ظاهری را از شما دور داشته است و در برابر آن فرزندان ماندگارتی بر جای گذاشته‌اید که همانا آثار شما هستند. و من به راستی باور دارم نام و نگاهشده‌های ایشان بر صفحه روزگار باقی خواهد ماند و به راستی مصداق «باقیات صالحات» خواهد بود. آنان که کتاب آل‌بویه استاد را دیده‌اند تأیید می‌کنند این اثر، برای یاد ماندگاری نام علی‌اصغر فقیهی کافی است.

تألیف دهها مقاله پیرامون قم و قمی‌ها، نیز چندین کتاب پیرامون قم، نام ایشان را در «قم‌شناسی» و «تاریخ قم» از ذهن‌ها خواهد زدود.

شاید کمتر کسی بداند که نگارش رساله‌های توضیح‌المسائل از کارهای ایشان است که خود خاطره جداگانه‌ای دارد و در جمع خصوصی، داستان‌ها را از ایشان جویا شدیم که به توصیه شادروان بروجرودی ریاست حوزه علمیه نگاشته بودند.

استاد فقیهی آرموده‌ای بیش از پنجاه سال آموزگاری [۱۳۷۲-۱۳۱۸] داشت. می‌گفت در همه سال‌های معلمی، دانش آموزی را تنبیه نکردم. سخت‌گیری ایشان محدود به مرزهای دانش آموزی دانش‌آموزان بود. می‌خواست دانش‌آموز را به دانشجو بدل کند. برخی می‌گفتند استاد گاه در طول یک سال تحصیلی، موفق نمی‌شدند مقدمه گلسنات

را به پایان برند چون واژه به واژه را موشکافی می‌کردند و گرچه کند پیش می‌رفتند ولی ژرف می‌کاوی‌نند.

در سال ۱۳۴۵ دکتر محمد معین به منظور دریافت حکم دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای استاد، پیگیری می‌کردند. ولی استاد تدریس در دبیرستان‌های قم را بر استادی دانشگاه تهران ترجیح دادند. حضور استادان پژوهشگری که بعداً از ناموران عرصه ادبیات ایران به شمار آمدند، دبیرستان حکیم نظامی سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۲۰ را عملاً به شاخه‌ای از دانشکده‌های ادبیات دانشگاه‌های تهران تبدیل کرده بود. نام استادانی چون دکتر حسین کریمان، دکتر بهرام فره‌وشی، دکتر امیر حسین یزدگردی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر حسین بحرالعلومی، دکتر حسن سادات ناصری و دکتر محمد امین ریاحی، زینت بخش تاریخ آموزش و پرورش قم و دبیرستان حکیم نظامی در سالهایی است که استاد فقیهی را در خود داشت. ثمره‌های این درخت بار آور، در سراسر گیتی و ایران، هر یک خود درختی سترگ شده است.

دکتر علی اشرف صادقی، از جمله دست پروردگان مکتب علی اصغر فقیهی است. بارها در برق نگاه استاد می‌دیدم که به شاگردانی چون او می‌بالد. وقتی از دست پروردگانش که در دانشگاه‌های ایران و فرا ایران هستند سخن می‌گفت لحظه‌ای احساس می‌کردی از فرزندان خویش سخن می‌گوید. گاه از لابلای گفتارش در می‌یافتم زندگی دانش‌آموزان پر استعداد را پی می‌گرفته که مبادا از تحصیل بازمانند. گاه وساطت می‌کرد تا پدرانی که پسران را از مدرسه رفتن باز می‌داشتند از تصمیم خود منصرف کنند. گاه در خانواده‌ای تا سه نسل، شاگردی او را کرده‌اند.

اینکه استاد با آنچه باور داشت زندگی می‌کرد، او را از بسیاری همانندان فرهنگ‌اش جدا می‌کرد. آنچه مرا به پذیرفتن زنده ماندن نام و یاد استاد فقیهی وادار می‌کند آن روان زنده او بود که با دنیادوستی و گناه نمرده بود. نام استاد فقیهی، بر جای خواهد ماند. استاد فقیهی پاک و معصوم زیست و بیش از آن مظلومانه، روزهای آخرین را سپری کرد. همچنان شکیب بود و استوار و گلایه‌ای نمی‌کرد. ولی مگر نه آن است که «الدنیا سجن المؤمن».

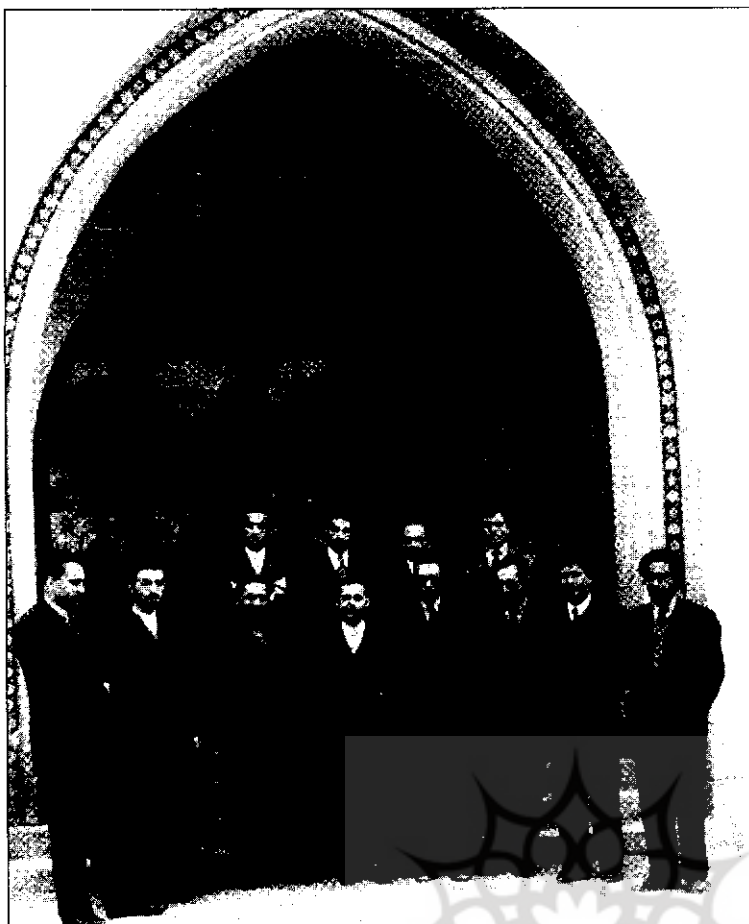
و این دنیا به راستی برای کسی چون او، زندان بود ولی چون زندانیان آندوهناک و ترشروی نبود. فقیهی به راستی گوهری کم مانند بود در صدف روزگار، که از بد حادثه به اینجا به پناه آمده بود و مرغی بود از باغ ملکوت که از عالم خاک نبود و دو سه روزی قفسی ساخته بودند از بدنش.

یادش در یاد و نامش زنده و در پناه خدایش آرمزیده باد. هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

ج. معرفی تفصیلی برخی تاریخ نگاشته‌ها

برای آشنایی بیشتر با دایره دانش و گستره تحقیق و تألیف مرحوم فقیهی، چند اثر استاد که بیشتر رنگ تاریخ‌نگاری دارد مفصل‌تر معرفی می‌شود:

۱. شاهنشاهی عضدالدوله. این کتاب که «چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در



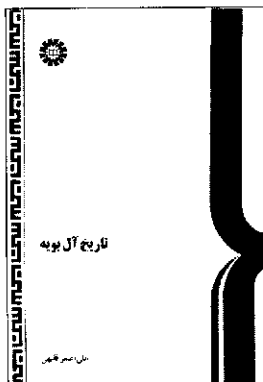
دبیرستان حکیم نظامی

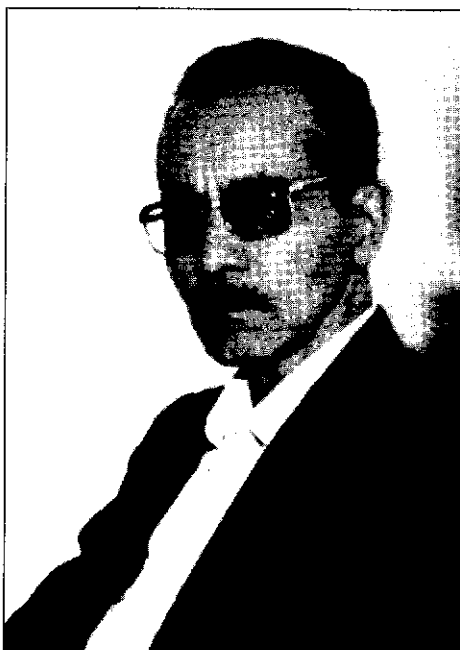
ردیف بالا (از راست): اشراقی، سادات ناصری، محمد غروی، یزدگردی
ردیف پایین (از راست): مصفا، درشتی، جوادی، فقیهی، دکتر محمد معین، گویا، شهید دکتر بهشتی

زمان آل بویه» را بازگو می‌کند. نخستین بار به سال ۱۳۴۷ خورشیدی منتشر شد. این کتاب که همان سال برنده کتاب جایزه سلطنتی گردید، پایه‌ای بود برای پژوهش‌های ژرف‌تر ایشان که به تألیف کتاب ارزشمند آل بویه انجامید.

نویسنده، کتاب را به دوازده بخش تقسیم‌بندی کرده است ولی مندرجات آن، چنانکه در آغاز کتاب بر می‌شمارد دربردارنده دو قسمت بنیادین است: یکی چگونگی فرمانروایی عضدالدوله و امتیازات و خصوصیات این پادشاه بزرگ؛ دوم، تحقیقی مختصر درباره اوضاع اجتماعی و اداری و آداب و رسوم معمول در ایران در سده چهارم هجری که مقارن سلطنت آل بویه و فرمانروایی عضدالدوله است. آنچه که ایشان در مقدمه کتابها و طی جلسات خصوصی پیوسته بر آن تأکید می‌کردند، استفاده از منابع دست اول، آن هم به زبان اصلی بود و خود جفا به آن مقید بودند و ضمناً بیشتر آثار ایشان پیوسته بر اساس ذکر منابع و شماره جلد و صفحه است.

نظر به اینکه ایشان تحصیلات قدیم گسترده ادبیات عربی در حوزه علمیه قم داشتند و آموزش دانشگاهی ادبی را زیر نظر اساتیدی چون محمود شهابی، بدیع الزمان فروزانفر و احمد بهمنیار گذرانده بودند، مشکل پارسی‌دانی و عربی‌دانی متون کهن عربی را که بیشتر پژوهشگران جوان امروزی دارند، نداشتند. بخش‌های دوازده‌گانه این کتاب چنین است:





آل بویه و مردمان آن روزگار است. اوضاع خلافت اسلامی در بغداد تا بررسی زندگی اجتماعی دانشمندان آن دوران، تشکیلات حکومتی، نقابت علویان، اوضاع اقتصادی و مالی، اوضاع دینی، کیفیت تحصیل و وضع علماء و ادباء، کتابخانه‌ها، زبان و گویش‌ها، طبقات مردم که شامل طفیلی‌ها و دلک‌ها و عیاران و گدایان و دزدان است، وضع شهرها و بازارها و راه‌ها و وسائل ارتباطی، چگونگی زندگی مردم و لباس، تفریحات و قحطی‌ها، خودکشی، مجالس انس، مهمانی‌ها و خوراکی‌ها، اخلاق و صفات عامه و خاصه، تقلب در مواد غذایی، یادگار نوشتن بر در و دیوار، بهداشت و پزشکی، ورزش، مصنوعات و محصولات و معادن و سرانجام کلیاتی از آداب و رسمی همچون سوگند یاد کردن، تشیع جنازه و... بخشی از مباحث اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند.

با این همه ایشان هیچگاه نه این تألیف و نه دیگر کارها را وافی و کافی و کامل و شامل نمی‌دانستند. شاهد بودم به هیچیک از آثار خود، نام بی‌نظیر یا شاهکار یا حاصل زحمات چندین ساله نام نمی‌نهاد. اگرچه تألیف آل بویه ده سال عمر ایشان را به خود اختصاص داده بوده، در مقدمه آل بویه آن را چنین معرفی می‌کند: کتاب حاضر، بررسی مختصر و تحقیق گونه‌ای است درباره آل بویه و اوضاع زمان ایشان از جهات مختلف. نوشتن تاریخ آل بویه به طور کامل... مستلزم تنوین آن در مجلدات متعدد است. در حقیقت این کتاب باید فهرست گونه‌ای از تاریخ آل بویه... به حساب آید. و نویسنده اذعان دارد که کتاب، خالی از نقص و اشتباه نیست؛ بلکه نارسایی‌ها و مطالب قابل تذکر در آن فراوان است.

و این در حالی است که در تحقیقات مستشرقین این تألیف مورد استفاده قرار گرفته و حتی دکتر هادی عالم‌زاده در مقدمه کتاب اصناف در عصر عباسی می‌نویسد: در سرلوحه این آثار باید نام کتاب بارزش «آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر»، تألیف دانشمند گرانمایه علی اصغر فقیهی را قرار داد. روزگاری را که کتاب آل بویه... مورد بحث نهاده قسمتی از دوره‌ای است که مؤلف الاصناف فی العصر العباسی بدان پرداخته است. برخی از مباحث کتاب آل بویه... دقیقاً همان مطالبی است که در این کتاب طرح گردیده. هنگامی که به مراجع و مأخذ این دو نویسنده و اشتراک این منابع و مصادر نظر شود علت قرابت و تشابه این بحث‌ها آشکار می‌شود... ولی به هر حال این مطالبه صفحاتی بسیار محدود از این کتاب بزرگ نهصد صفحه‌ای را در بر می‌گیرد.

این اثر استاد، به زبان عربی ترجمه شده و چنانکه خود ایشان می‌گفتند به زبان انگلیسی هم در حال ترجمه است. ۳. تاریخ آل بویه، در سال ۱۳۷۸ از سوی انتشارات سمت منتشر شد. شاید نشان ارزشمندی این اثر باشد که پیشنهاد خلاصه کردن آن به استاد داده شد و برای تدریس دانشگاهی در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس در نظر گرفته شد.

۴. تاریخ مذهبی قم. این اثر چهارصد صفحه‌ای - به همراه ۴۸ تصویر - نخستین بار به سال ۱۳۵۰ خورشیدی

۱. دیلم و مردم آن، ۲. آل بویه، ۳. شاهنشاهی عضدالدوله، ۴. شمه‌ای از کارهای عضدالدوله، ۵. صفات، فضایل و سیاست عضدالدوله، ۶. عضدالدوله و مذهب شیعه، ۷. بناها و آثار عضدالدوله، ۸. عضدالدوله و دانشمندان و شاعران، ۹. پایان کار عضدالدوله، ۱۰. اوضاع ایران در زمان عضدالدوله، ۱۱. تأثیر افکار و ادب ایرانی در ادب و زبان عربی در زمان آل بویه، ۱۲. وصف مجالس انس و میهمانی و خوان گستردن.

نکته دیگری که استاد فقیهی بر آن پای می‌فشرده آن بود که ناگفته‌های زندگی اجتماعی مردمان آن روزگاران را بازگویند و از پرگویی و تکرارنویسی خسته‌کننده تاریخ‌نگاری پیرامون شاهان، گریزان بودند. این کتاب برای بار دوم به سال ۱۳۷۳ تجدید چاپ شد. استاد فقیهی پیوسته در پایان کتاب‌هایش فهرس اعلام متنوع و یادکرد منابع فراوان به ویژه عربی را از نظر دور نمی‌داشتند.

۲. آل بویه: اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر که شاخص‌ترین اثر مرحوم فقیهی است در بحبوحه انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از سوی نشر صبا در تهران منتشر شد. اگرچه اهل پژوهش با آن کتاب آشنا هستند ولی به لحاظ تقارن زمانی انتشار آن با جریانات سیاسی آن روزگاران، کمتر به معرفی آن پرداخته شد و ارزش علمی آن از نظرها دور ماند. آرایه کتاب و پیشینه تخصصی ناشر در ارزش بخشیدن به یک اثر، بسیار تأثیرگذار است و برای پژوهشگران یکی از ملاک‌های ارزشمندی کتاب، موسسه منتشرکننده آن است. گمنام‌گرایی علی اصغر فقیهی چه از جنبه کم اهمیت دادن به درج نام مؤسسات معتبر فرهنگی دولتی و خصوصی و چه بی‌اعتنایی به طرح جلد و چه تبلیغ برای آن، باعث شد که در زمان حیاتشان، آثارشان کمتر در میان دانشگاهیان نفوذ داشته باشد و دانشجویان کمتر با نام ایشان آشنا باشند. ولی شاید در دراز مدت کار ایشان ارزش گذاری واقعی شود. این اثر شامل بخش‌های متنوعی است که به راستی آینه زمان



منتشر شد. علی اصغر فقیهی در مقدمه می‌نویسد: «کتاب حاضر بخشی از تاریخ جامع قم است که نویسنده چند سالی است در صدد تهیه آن می‌باشد. کوشش شده است وضع مذهبی شهر قم از هنگام فتح آن به دست مسلمانان تا نزدیک به زمان حاضر از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.»

استاد دیگر باره به نقص احتمالی تحقیق خود اعتراف می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «گویا اولین بار است که درباره تاریخ مذهبی یک شهر در ایران، کتاب نگاشته می‌شود.» این امر هراس ایشان را از نواقص کار بیشتر کرده بود. ولی گذشت زمان ثابت کرد یکی از بهترین پژوهش‌های معاصر پیرامون قم‌شناسی است.

حتی دوشیزه لمیتون نیز به هنگام نگارش پژوهشی پیرامون قم بارها به آن استاد کرده است. دیگر بار یادآور می‌شود که در تألیف این کتاب از منابع و مدارک قابل اعتماد و بالطبع عربی زبان استفاده شده است.

خواهش پیوسته دوستان ایشان آن بود که این مجموعه پنج بخشی که قول آن را داده بودند را به پایان برند که اثر پنج‌گانه‌ای شامل: تاریخ مذهبی، تاریخ اجتماعی، تاریخ علمی، تاریخ آستانه مقدس فاطمه معصومه و امام‌زادگان، و امروز قم بود. در سال‌های بعد، تصمیم به انتشار تاریخ اجتماعی داشتند که تألمات روحی ناشی از بیماری و مرگ همسرشان و سپس کسالت‌های پایان عمر، این فرصت را از ایشان سلب کرد. امید که به همت شاگردان و دوستان ایشان، این مجموعه نیز منتشر شود.

این کتاب که سرانجام به درخواست دوستان، به سال ۱۳۷۸ تجدید چاپ شد، به حجم ۵۱۸ صفحه و ۱۱۲ تصویر بالغ شد. این کتاب در میان دهها تألیف انجام شده یکصد ساله اخیر، در کنار کتاب تربیت پاکان محمد حسین مدرسی طباطبایی، در شمار معدود آثار تحقیقی است که درباره قم انجام گرفته است. اهل تاریخ پژوهی با توجُّق این کتاب و مروری بر منابع آن ارزشمندی آن را تأیید خواهند کرد.

۵. تاریخ و عقاید وهابیان. این رساله نخستین بار در سال ۱۳۲۳ خورشیدی به چاپ رسید. مرحوم فقیهی از پیشگامان پژوهش درباره وهابیت در ایران هستند. این کتاب بعدها به شکل پژوهش کامل‌تری با نام وهابیان عرضه شد که تا سال ۱۳۷۸ چهار بار تجدید چاپ گردید.

۶. وهابیان که ویراست نخست آن به سال ۱۳۵۲ از سوی انتشارات صبا منتشر گردید و در چاپ‌های بعد حجم آن افزوده شد.

این کتاب شامل هشت بخش است: ۱. بنیاد گذاران مذهب وهابی، ۲. عقاید ابن تیمیّه، ۳. شیخ محمد عبدالوهاب پیشوای فرقه وهابی، ۴. عقاید وهابیان، ۵. قدیمی‌ترین ذکر از مذهب و عقاید وهابیان در منابع ایرانی، ۶. مرکز انتشار مذهب وهابی، ۷. آل سعود، ۸. جمعیه الاخوان، خاتمه‌ای درباره مذهب وهابی در خارج از نجد و حجاز.

استاد فقیهی می‌نویسد: «کلیه مطالب کتاب مستند است و بیشتر مستندات، آثار نویسندگان وهابی یا متمایل به وهابیت یا آثار مورد اعتماد وهابیان بوده است.

چکیده‌وار ویژگی‌های پژوهش‌های استاد فقیهی چنین است:

۱. «نیازنگاری» و «درخواست‌نگاری» و نه با هدف تجاری و به سفارش ناشر یا به عنوان منبع درآمد اقتصادی و یا ارتقاء دانشگاهی.

۲. کوشش در ارائه یک کار خلاق و نه رونوشت‌نگاری از کار دیگران.

۳. استفاده از منابع دست اول با زبان اصلی که در مقدمه بیشتر آثارشان تأکید دارند.

۴. روان‌نگاری که حاصل مطالعه پیوسته متون کهن عربی و فارسی است و خواننده از مطالعه کتاب، خسته و دل‌زده نمی‌شود.

۵. پرهیز از انبوه‌نگاری و پراکنده‌نگاری در شاخه‌های مختلف، بلکه متحصر کردن کارها در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی و البته با گرایش به متون عربی.

در پایان لازم به یاد آوری است فروتنی ایشان مانع آن بود که اکنون بسیاری از ایرانیان و به ویژه شیعیان ایران زمین نمی‌دانند. مرحوم بروجردی روزی ایشان را فراخواندند و گفتند بر شما تکلیف است که ابواب فقهی را به زبان همه کس فهم و نثر امروزی پارسی بنگاری. به این ترتیب مرحوم فقیهی بخش بخش رساله‌ها را آماده می‌کردند و به آیت ا بروجردی ارائه می‌نمودند. شماره‌گذاری رساله‌های احکام عملی امروزی و نگارش استوار آن، تراوشی است از قلم استاد فقیهی که خود البته از خاندانی نسل در نسل فقیه و خود فقیهی آرموده به شمار می‌آمد.

نامش جاودانه باد و یادش در یاد و از بهشت الهی برخوردار باد.